

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

آیه 8 سوره مبارکه هود

الحمد لله رب العالمين و صلى الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين و لعنة الله علي اعدائهم اجمعين من الآن الى قيام يوم الدين.

یکی از آیات شریفه‌ای که بر حسب روایاتی که ذیل این آیه شریفه رسیده، اشعار دارد یا دلالت دارد بر قضیه مهدویت و اصحاب حضرت حجت (ع)، آیه هشتم از سوره مبارکه هود است.

خدای تبارک و تعالی می‌فرماید:

(وَلَئِنْ أَخْرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ لَيَقُولُنَّ مَا يَحْسِبُهُ أَلَّا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ)

سياق آیات قبل

آیات قبل دلالت بر برخی از برخورد های مشرکین و کفار با رسالت پیامبر اکرم (ص) و رسالت رسولان الهی دارد. اینها یکی از حرف هایی که می‌زدند این بود که می‌گفتند: (إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ)^[۱] در مورد قرآن کریم تعبیر به سحر داشتند و خود پیامبر را تعبیر به ساحر می‌کردند. یکی از حرف هایی که کفار و مشرکین در مقابل رسول خدا (ص) داشتند، این بود که قبلاً وعده عذاب به اینها داده شده بود، و اینها می‌گفتند عذاب نیامد و پیامبر را استهزاء و مسخره می‌کردند. در این آیه شریفه خدا در مقام جواب به اینهاست.

معنی اجمالی آیه

خداوند می‌فرماید: (وَلَئِنْ أَخْرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ لَيَقُولُنَّ مَا يَحْسِبُهُ أَلَّا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ)

لام در لئن لام قسم است. زیرا لام ابتدائیت بر سر این شرطیه در نمی‌آید، لام ابتدائیت بر سر اسم یا آنچه که شبیه به اسم است در می‌آید. لذا لام در اینجا لام قسم است و آنچه جواب برای این قسم واقع شده، در حقیقت جزای برای این شرط هم هست. یعنی أقسم؛ خدا می‌فرماید قسم می‌خورم که اگر آخرنا عنهم العذاب إلى أمة معدودة؛ اگر ما عذاب را تأخیر انداختیم تا یک زمان محدود و معدود (بر حسب یک معنای این آیه)، ليقولن ما يحسبه؛ اینها هم مسخره می‌کنند و می‌گویند پس کو عذاب.

اینها می‌گویند چه چیزی عذاب را ممانعت کرد. حبس به معنای منع است. چه چیزی مانع از این عذاب شد؟ پیامبر را مسخره می‌کردند و می‌گفتند تو که این همه ما را از جانب خدای خودت ترساندی برای عذاب، پس کو این عذاب. بعد خدا می‌فرماید: آلا یوم یأتیهم؛ آن روزی که عذاب اینها را فرا بگیرد، لیس مصروفاً عنهم؛ این عذاب حتماً شامل حال اینها هم می‌شود و از اینها برگردانده نمی‌شود. یعنی هیچ چیزی مانع از اینکه اینها گرفتار عذاب بشوند نیست. و حاق بهم ما کنوا به یستهزئون؛ عذاب احاطه پیدا می‌کند نسبت به آن استهزائی که اینها داشته اند.

توضیح چند نکته

ابتدا باید چند نکته کلیدی را در خود آیه شریفه روشن کنیم.

اولین نکته این است که روشن کنیم مراد از کلمه امت چیست؟ و مراد از کلمه امت معدوده چیست؟

نکته دوم این است که آیا مراد از عذاب در اینجا عذاب دنیوی است، یا مراد عذاب اخروی است؟

تا این دو مطلب روشن نشود، معنای آیه روشن نمی‌شود.

ابتدا مقداری راجع به کلمه امّ و امت باید بحث کنیم و معنای ام را مقداری روشن کنیم.

معنای کلمه "أمّ"

در کتاب مصباح المنیر فیومی، آنجا می‌گوید که: أُمُّهُ أُمًّا. أمّ یومٌ، من باب قتل یقتل. أي قصده؛ الف و میم مشدّد (أمّ) یعنی آنچه که مقصود است. أُمُّهُ یعنی قصده.

بعد در دنباله می‌گوید: أُمُّ الشَّيْءِ أصلُ الشَّيْءِ. الأمّ الوالدة.

و قيل أصلها أُمّهة و لذا تجمع على أُمّهات. أمّ در مورد والده جمعش أُمّهات است.

اینجا یک بحثی دارند که این هاء، های زائد است یا نیست، کاری به او نداریم.

در کتاب مقایس اللغة ابن فارس می‌گوید: أَمَّ أَصْلٌ وَاحِدٌ يَتَفَرَّعُ مِنْهُ أَرْبَعَةُ أَبْوَابٍ؛ چهار چیز از آن مشتق می‌شود یا چهار معنا از آن در می‌آید.

1- أصل. أمّ به معنای اصل است.

2- به معنای مرجع است. آنچه که بازگشت چیزی به آن است.

3- به معنای جماعت است.

4- به معنای دین است.

یعنی چهار معنای امّ اینهاست. بعد می‌گوید: و هذه الأربعة متقاربة. این چهار معنا نزدیک به هم است. یکی اصل و مرجع و چون مرجع هم می‌شود اصل. جماعت و دین. اینها نزدیک به هم است.

سپس ابن فارس ادامه می‌دهد و می‌نویسد: و بعد ذلك أصول ثلاثة.

1. قامت: ام به معنای قامت. طویل الام یعنی طول القامة.

2. به معنای حین و زمان است.

3. به معنای قصد است.

یعنی در حقیقت امّ مجموعاً در هفت مورد استعمال شد که چهار تا متقارب هستند. (اصل، مرجع، جماعت، دین) اما سه تا هیچ ارتباطی به هم ندارند (قامت و زمان و قصد).

مطلبی را از خلیل نقل می‌کند، که قدیمی ترین لغوی است. قال الخلیل: كلُّ شيءٍ يضمُّ إليه ما سواه مما يليه؛ هر چیزی که ماسوای او به او ضمیمه می‌شود. فإنَّ العرب تسمي ذلك الشيءُ أمًّا. هر چیزی که چیزهای دیگر به او ضمیمه می‌شود عرب می‌گویند امّ.

به نظر می‌رسد در بعضی از این تفاسیر فارسی، مثل تفسیر نمونه، این عبارت خلیل را درست معنا نکرده اند. آنجا آمده است. انضمام اشیاء به یکدیگر. وقتی می‌خواهند ام را معنا بکنند می‌گویند: «وقتی که اشیاء به یکدیگر انضمام پیدا کند.» آنها در معنای امت می‌خواهند بگویند به یک گروهی می‌گویند امت که اینها از نظر دین یا زمان یا مکان، به یکدیگر انضمام پیدا کرده اند. که این مطلب غیر از مطلبی است که خلیل می‌گوید. خلیل می‌گوید ام یعنی چیزی که محور برای انضمام است، چیزی که اصل برای انضمام است. یعنی امور دیگر به او ضمیمه می‌شود. بعد می‌گوید و من ذلك أمّ الرأس و هو الدماغ، که مغز است.

و أمّ القرى یعنی مکه. ما مکه را ام القرى می‌گوییم، چون قرای دیگر را با ضمیمه کردن به او معتبر می‌دانیم و بررسی می‌کنیم.

و كلُّ مدينةٍ هي أمّ ما حولها من القرى.

أمّ القرآن فاتحة الكتاب است. چون فاتحة الكتاب سوره‌ای است که بقیة سور قرآن به آن ضمیمه شده است. یکی از وجوه تسمیه فاتحة الكتاب به "ام الكتاب" همین است. ام القرآن، فاتحة الكتاب است؛ ام الكتاب ما في اللوح مبدئه.

این آیه شریفه (إِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ)^[2]، یعنی در لوح محفوظ.

و ذلك لكون العلوم كلها منسوبة إليه؛ همه علوم منسوب به، متخذ از أم الكتاب است.

پس می‌بینیم تا اینجا راجع به کلمه امّ دو جهت وجود دارد. یکی قصد و دیگری آنکه چیزی به چیز دیگر ضمیمه شود و آن منضمّ إليه بعد از انضمام، مقصود واقع شود. یعنی مجرد یک انضمام خارجی را عرب نمی‌گوید "ام". مکه وقتی که قرای دیگر به او ضمیمه می‌شود، حالا مورد قصد خاص قرار می‌گیرد.

بعد می‌آیم سراغ کلمه اُمَّت. در این آیه کلمه امت داریم. اِلَى اُمَّةٍ مَّعْدُوْدَةٍ.

راجع به امت می‌گوید:

خود آن شیئی اصل مقصد می‌شود، نه آنچه ضمیمه شده است.

مادر چون همه افراد حول او هستند و به او ضمیمه می‌شوند می‌شود ام. مجرد انضمام خارجی هم نیست. انضمامی است که بعدش قصد و توجه خاص نسبت به او وجود دارد. مجرد انضمام یک شیئی به یک شیئی دیگر، سبب نمی‌شود که او ام این بشود. بعد الانضمام باز باید این منضمّ اِلَیه مورد توجه خاص قرار بگیرند.

راجع به امت دارند: کُلُّ جَمَاعَةٍ یَجْمَعُهُمْ اَمْرٌ مَّا. جماعتی که در یک امری مشترک اند. اِمَّا دِیْنٌ وَّاحِدٌ، اَوْ زَمَانٌ وَّاحِدٌ، اَوْ مَکَانٌ وَّاحِدٌ. سواءً کان ذلک الامر الجامع، تسخیراً اَوْ اختیاراً.

حالا این قدر مشترک قدر مشترکی قهری باشد یا قدر مشترکی اختیاری باشد. اُمَّت معنایش این است. که کُلُّ جَمَاعَةٍ یَجْمَعُهُمْ اَمْرٌ وَّاحِدٌ. بعد در قرآن کریم در قضیه حضرت یوسف (ع) در آیه 45 سوره مبارکه یوسف داریم: (وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ اُمَّةٍ اَنَا اُنَبِّئُكُمْ بِتَاوِيلِهِ فَارْسِلُوْنِ).

(وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ اُمَّةٍ). آنجا امت را به معنای زمان معنا کرده اند. وادکر بعد اُمَّةً اُی: حین.

در مقایسه اللغة آمده: و حقیقة ذلک، بعد انقضاء اهل عصر اَوْ اهل دین. یعنی به هر زمانی هم امت نمی‌گویند. زمانی را امت می‌گویند که یک اهلی یا یک گروهی مثلاً مقدار زیادی باشد که منقضی شده باشد. به عبارة اخرى بعد از یک ساعت و دو ساعت و یک روز و ده روز را نمی‌گویند امت. باید به مقداری که زمان منقضی شده باشد، بگذرد. این قرینه می‌شود بر اینکه آن کسی که از زندان آمده بود، بعد از چه مدتی یادش افتاد که یوسف آن پیغام را به او داده. ظاهراً چند سال طول کشید. هفت سال طول کشید. پس مطلق زمان را نمی‌گویند امت.

برخی از مفسرین به همین قرینه و ادکر بعد اُمَّة، در این آیه شریفه سوره هود وَلِئِنْ اَخْرَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ اِلَى اُمَّةٍ. اُمَّة را به معنای زمان معنا کرده اند. یعنی خدا می‌خواهد بفرماید ما اگر عذاب را از این مشرکین به تأخیر انداختیم، این تأخیر تا یک زمان معدود بوده است. تا یک زمان معین و زمان محدود. به این قرینه که داریم و ادکر بعد اُمَّة.

سوال:

پیامبر امی به کدام معنا بر می‌گردد؟

اگر به کتب لغت مراجعه کنید یعنی آن چیزی که دست خورده نیست. یعنی چیزی از خارج به او اضافه نشده. خودش هست و خودش. نیامده اند علمی یا چیزی را به او اضافه کنند.

آنوقت ببیند مثلاً در همین ماده ام وقتی می‌گویید امام، امام یعنی کسی که روبرو و در مقابل انسان است. چرا به او امام می‌گویند؟ چون امام از همین ماده است. و چیزی که جلوی انسان است، عمدتاً مورد توجه انسان است و مورد قصد انسان واقع می‌شود.

یا مثلاً خود امام را که در لغت فارسی می‌گویند پیشوا، این معنای عربی اش نیست. معنای عربی اش یعنی مقصود. آن کسی که امام واقع می‌شود، چون مقصود برای دیگران واقع می‌شود و دیگران به او توجه پیدا می‌کنند امام گفته می‌شود. این است معنای امام و الا اگر بگوییم امام یعنی پیشوا، این معنای لفظ امام نیست.

یا در این آیه شریفه: (وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا)^[3]. یعنی کتاب موسی مورد توجه و مورد قصد مردم بوده است.

معنای دیگر امت

کلمه امت به معنای زمان آمده است. در بعضی از کتب لغوی نوشته است: امت، المقدار المعین و المحدود من الفعل. یعنی مقدار معین از یک فعلی.

ما يقصد محدوداً و يتوجه إليه مشخصاً. آنی که بالخصوص به او توجه می‌شود. سواءً كان متشكلاً من الأفراد. مثلاً می‌گویند امت اسلام، یعنی گروهی که مورد توجه قرار می‌گیرد. او من قطعات الزمان أو من العقيدة أو الفكر. او يكون فرداً مشخصاً يتوجه إليه في مقابل سائر الناس. گاهی اوقات به یک نفر می‌گویند امت. در این آیه شریفه که دارد (إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا)^[4] این امت یعنی چه؟ یعنی مقصوداً.

ابراهیم شخصی بود که مقصود و مورد توجه بود. یک روایتی هست، روایت خیلی خوبی است. پیامبر صلوات الله و سلامه علیه فرمود: اجود الأجواد الله تبارک و تعالی؛ جواد ترین جواد ها، سخی ترین سخاوتمند ها، خدای تبارک و تعالی است. بعد فرمود: و أنا أجود بني آدم؛ من در میان بنی آدم از همه جوادترم. و اجودهم بعدی؛ حالا بعد از من اجود کیست. رجلاً علم بعدی علماً فنشره و يبعث يوم القيامة أمة واحدة. مردی که علم دین را یاد بگیرد و انتشار بدهد، این روز قیامت به عنوان امت واحد مبعوث می‌شود.

یعنی در صحرائی محشر مورد توجه همه قرار می‌گیرد. این امة واحدة نه اینکه روز قیامت خودش با مثلاً یک میلیون آدم یک گروه بشود. بلکه یبعث يوم القيامة امة، یعنی مقصوداً مورد توجه در میان محشر و اصحاب محشر قرار می‌گیرد.

در کلیات ابی البقاء می‌گوید: الأمة بالضم في الاصل المقصود و تسمى بها الجماعة من حيث تأمها الفرق، أتباع الانبياء امتهم، تطلق على الرجل الجامع لخصال محمودة، و مثال می‌زند به همین آیه شریفه (إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا).

خلاصه آنکه غالب لغویین محور معنای امت را یا شخص مقصود قرار دادند یا جماعت مقصود و جماعت خاص که مورد قصد واقع بشوند و أمَّ يَوْمٌ یعنی قَصَدَهُ. معنای قصد هم در معنای ام هم در معنای امت اشراب شده است.

معنای امت در آیه شریفه

حالا که معانی لغوی امت را بیان کردیم، باید ببینیم مراد از امت در این آیه چیست؟ آیا بگوئیم امت به معنای زمان است، معنای آیه این می‌شود و لئن اخرنا عنهم العذاب إلى زمانٍ معيّن. امت معدوده اینطور باشد. خوب این یک احتمال در آیه است. مرحوم علامه و بسیاری از مفسرین هم همین احتمال را پسندیده اند. اما چند احتمال دیگر در آیه وجود دارد.

احتمال دوم این است که خود امت را به معنای جماعت بگیریم. که مرحوم علامه می‌فرمایند این وجهی است که لاپاس به است. منتها مراد کدام جماعت است؟ می‌فرماید: فقد وعد الله سبحانه أن يؤيد هذا الدين، بقوم صالحين. خدا می‌فرماید ما عذاب را

تأخیر انداختیم تا آن امت معدوده بیايد، بعد که آن امت معدوده بيايد آخر الزمان هست، و کم کم قیامت می شود و بعد می فرماید: (أَلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ) يوم یأتیهم یعنی روز قیامت.

در واقع باید بگوئیم مراد از امت معدوده یعنی جماعت محدوده. خدا وعده داده که دین را تأیید کند به یک قوم صالح. لا یؤثرون علی دینه شیئاً. بر دین خدا هیچ چیز را ترجیح ندهند. و ممکن عند ذلک للمؤمنین دینهم الذی ارتضى لهم. بعد اشاره می کنند به این آیه سوره مائده: (فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ). یا این آیه 55 سوره نور: (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيبدلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي وَ لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا). که از آیات بسیار محکم در قضیه مهدویت است. بدون هیچ روایتی از این آیه شریفه قضیه مهدویت به خوبی استفاده می شود.

پس این معنای دوم آیه: وَلئن اخربنا عنهم العذاب. شما کفار اگر در دنیا ما عذاب را در امت آخر الزمان برداشته خدا و ما کنا معذبین، حتی نبعث رسولاً یا و انت فیهم. انجایی که می فرماید وقتی تو در میان این امت هستی ما دیگر عذاب را از این امت برداشتیم. آنوقت می فرماید: وَلئن اخربنا عنهم العذاب، تا چه زمانی ؟ تا زمانی که ان امت معدوده بیايد. که آن امت معدوده اشاره به آن اصحاب حضرت باشد و آن گروهی که در آخر الزمان می آیند که امت را به معنای زمان معنا نمی کنیم دیگر. به معنای جماعت معنا می کنیم.

دو وجه دیگر در معنای امت در آیه

بعد مرحوم علامه دو وجه دیگر را هم برای این آیه بیان می کنند. یک وجه این است که إن المراد الجماعة، مراد از امت جماعت است. و هم قوم یأتی الله بهم بعد هؤلاء. بعد از این مشرکین یک قوم دیگر می آیند، یصرون علی الکفر فیعذبهم بعذاب الاستئصال. خدا آنها را عذاب می کند به عذاب استیصال. کما فعل بقوم نوح، این یک وجه.

او هم قوم یأتون بعد هؤلاء فیصرون علی معصية الله. یا جماعتی که بعداً می آیند، نه اینکه اصرار بر کفر بکنند. مسلمانند اما یصرون علی معصية الله، فتقوم علیهم القيامة، به گناه اصرار دارند. قیامت آن موقع دیگر برپا می شود. یعنی آن قومی که در آخر الزمان می آیند و فساد می کنند، معصیت می کنند، این مقتضی می شود برای تحقق قیامت.

بعد ایشان می فرمایند: و الوجهان سخیفان. این دو تا وجه اخیر سخیف هست، لبنائهما علی کون المعذبین، غیر هؤلاء المستهزئين. این دو وجه مبتنی بر این است که آنهایی که عذاب می شوند غیر از آنهایی باشند که استهزاء می کنند. و ظاهر قوله تعالی: (أَلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ)، أنَّ المعذبين هم المستهزئون. در حالی که ظاهر ذیل آیه شریفه (أَلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ) این است که آنهایی که می خواهند عذاب شوند همانهایی هستند که استهزاء کرده اند.

قدر مشترک وجه سوم و چهارم، این است که آنهایی که عذاب می شوند یک گروه دیگر هستند. مرحوم علامه می گوید چطور می شود آنها استهزاء کرده باشند و خدا در مقام توبیخ آنها باشد، اما عذاب را برای کس دیگر مطرح می کند و ظاهر آیه این است که خود همین مستهزئين باید عذاب شوند.

خلاصه احتمالات در آیه

یک احتمال آنکه امت به معنای زمان است. احتمال دوم به معنای جماعت از صلحا است. احتمال سوم جماعتی از کفار و احتمال چهارم جماعتی از اهل معصیت و آنهایی که معصیت خدا می کنند. این چهار احتمال در این آیه شریفه هست.

شاید بهتر باشد معنای عذاب را هم روشن کنیم تا ببینیم در (أَلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ) یا در (وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ) مراد چیست؟

مرحوم علامه می‌فرمایند: مراد عذاب دنیوی است. عبارتی که ایشان در المیزان دارند این است:

می‌فرمایند: و بما تقدم يظهر ان هذا العذاب الذي يهددون به عذابٌ دنیویٌ سیحیق بهم. سیحیقه بهم یعنی زود احاطه می‌کند آنها را و ينزل عليهم دون عذاب الاخرة. و ربطی به عذاب آخرت ندارد.

اما به نظر می‌رسد که آیه ظهور روشنی دارد در اینکه مراد از این عذاب عذاب اخروی است. درست است که کفار فکر می‌کردند در همین دنیا است. ولی آن عذابی که خدا به عنوان عذاب استیصال به اینها وعده داده بود و آنها را ترسانده بود، عذاب اخروی است. ما دو قرینه بر این مدعا داریم. که مراد عذاب اخروی است. یک قرینه تعبیر آخرنا است. ببینید، اگر ما بخواهیم نسبت به خودمان ملاحظه بکنیم، می‌گویید این فعل را تأخیر می‌اندازیم تا ده سال دیگر، تا پنجاه سال دیگر، یا هر مقداری که اقتضاء در ما باشد. و می‌گویید تأخیر انداختیم.

اما تأخیر وقتی نسبت به خدای تبارک و تعالی داده می‌شود، این ظهور در این دارد که تأخیر عن الدنيا است. یعنی ما وعده عذاب دادیم. اینها هم فکر می‌کردند در همین دنیا ما عذاب می‌کنیم. حالا هم که عذاب نکردیم دارند مسخره می‌کنند ولی لئن آخرنا... یعنی آخرنا الی یوم القيامة. همینها که دارند استهزاء می‌کنند، ما در روز قیامت اینها را عذاب می‌کنیم. پس قرینه اول آخرنا است.

قرینه دوم کلمه یوم است. در علی یوم، یوم ظهور روشنی در یوم القيامة دارد. یوم لا ینفع مال و لا بنون. خود کلمه یوم. (یَوْمَ يَأْتِيهِمْ) ظهور روشنی دارد در روز قیامت. (يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ) آنجا دیگر این عذاب مصروف از اینها نیست و برگردانده نمی‌شود. مخصوصا اینکه ما بر حسب آیات دیگری از قرآن داریم که وقتی پیامبر(ص) در میان امت هست، خدا وعده کرده دیگر عذاب نکند. نمی‌شود گفت یوم یأتیهم مربوط به همین دنیا است. از آن زمان تا حالا که عذابی نیامده. لذا این دوقرینه قرینه می‌شود بر این که این مربوط به روز قیامت است.

حالا که عذاب مربوط به روز قیامت شد، خدا می‌فرماید اینها دارند استهزاء می‌کنند، استهزائتان را بکنید. ما (وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ)، به نظر ما ظهور این امت در همین جماعت است. نه تا زمان محدود.

اگر ما بخواهیم امت را به معنای زمان معنا کنیم، یعنی خدا می‌گوید ما مقداری زمان، ده سال، بیست سال، پنجاه سال، شما را عذاب نمی‌کنیم و تأخیر می‌اندازیم. این چه معنایی دارد.

اما وقتی اینطور بگوییم امت به معنای جماعت است، آن جماعتی که در آخر الزمان می‌آیند، و بعد از او دیگر قیامت می‌خواهد برپا بشود. معنا آن می‌شود که این امة معدوده اشاره دارد به تحقق قیامت بعد از حضور این امت معدوده.

ببینید این نکات را می‌خواهیم از خود آیه (وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ) در بیاوریم.

خوب حالا این برنامه خدای تبارک و تعالی است: ليقولن ما يحبسہ. می‌گویند چه چیزی مانع از عذاب شد. ألا یوم یأتیهم، آن روز قیامت که عذاب می‌آید، لیس مصروفا عنهم و حاق بهم ما کانوا به یستهزئون. امت را باید به جماعت معنا کرد.

آنوقت آن دو وجه سوم و چهارمی که مرحوم علامه فرموده اند، قرینه‌ای ندارند. نمی‌توانیم بگوییم امت یعنی کفاری که یصرون

علی کفرهم. یا مسلمانانی که یصرون بر معصیت. لذا می‌گوییم امت معدوده ظهور در جماعت معدوده دارد و اشاره به یک جمعی دارد. اصلا فعلا اجمالا آیه این را بیان می‌کند.

یک نکته دیگر

قطع نظر از اینکه تأخیر تا یک زمان از سوی خدا خیلی تناسبی ندارد، اگر بخواهیم زمان را توصیف به معدوده کنیم، یعنی چه؟ اشخاص، جماعت، توصیف به معدوده می‌شود. ما اشخاص معدود داریم یعنی اشخاص محصور، اشخاصی که قابل عدّ هستند و قابل شمارش هستند. اما زمان معدود این مقداری استبعاد دارد. بنابر این به نظر می‌رسد که آیه ظهور روشن تری در امت به معنای جماعت دارد.

در مورد جماعت آن دو وجه را انکار کردیم، مرحوم طبرسی کلامی دارد که آن هم اشاره به بعضی از همین وجوهی که مرحوم علامه فرموده دارد. اما یک ظهور ابتدائی که ما از آیه می‌گیریم همین است. **وَلئن اخرجنا عنهم العذاب** آن عذاب اخروی که به اینها وعده داده شده، **إلی امة معدوده**، تا آن زمانی که امت معدوده می‌خواهد بیاید، الان هم ليقولن ما يحبسه. حالا هم ممکن است کفار بگویند کو قیامت و کو عذاب؟ نه اینکه فقط ليقولن اختصاص به همان اشخاص زمان پیامبر داشته باشد. الا يوم یاتیه که این يوم واقعا ظهور خیلی روشنی در اصطلاح قرآن دارد. شما ببینید استعمالات کلمه يوم در قرآن را. یک ظهور خیلی روشنی در روز قیامت دارد.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين.

[1] □ سورة مائدة، آیه 110.

[2] □ سورة زخرف، آیه 4.

[3] □ سورة هود، آیه 17.

[4] □ سورة نحل، آیه 120.